

گسترش مبارزه برای حق آب



دریاچه مد - آریزونا

موضوع کتاب جدید مادو بارلو (Maude Barlow)

بحران آب است که در کتاب همگان را به محافظت از این حق اساسی بشر دعوت می نماید.

از شیلی تا فیلیپین و از آفریقای جنوبی تا کانادا، کشور محل تولد او که پر آب ترین کشور دنیا است، مادو بارلو از معدود افرادی می باشد که واقعاً اهمیت بحران آب را درک کرده است. جدیدترین کتاب وی، «عهد نامه آبی رنگ»، جزئیات تحقیقات وی در مورد منابع در حال کاهش آب در سراسر جهان و تغییرات آب و هوا، همچنین افزایش روند تشکیل گروه های مردمی برای مبارزه با آلودگی آب توسط شرکت های بزرگ و سوء مدیریت دولت ها را نشان می دهد. اگر می خواهید بدانید که کدام مناطق با کمبود آب مواجه است و چه کاری باید انجام دهیم که مطمئن شویم که کلیه افراد از داشتن آب بهره مند شوند، خواندن این کتاب را از دست ندهید. تارا لوهان (Tara Lohan) خبرنگار نشریه AlterNet اخیراً مصاحبه ای با او درباره مشکلات جهانی آب انجام داده که در سه شماره به نظر شما می رسد.

تارا لوهان: امسال در ایالات متحده، مطبوعات مطالب زیادی در مورد خشکسالی در آتلانتا و جنوب شرقی کشور به چاپ رساندند، فکر می کنم برای بسیاری از مردم ایالات متحده، این اولین بار است که در مورد خشکسالی مطلع می شوند. اما بحران در آمریکای شمالی واقعاً شدید است، آیا این حرف صحیح است؟

مادو بارلو: بله، واقعاً به همین شکل است، برای من واقعاً عجیبه که مثلاً از مردم آتلانتا

سطحی را به شدت آلوده می کنیم، به طوری که آب ممکن است وجود داشته باشد ولی غیر قابل استفاده می شود. همچنین ما آب های زیرزمینی را سریع تر از آن که به طور طبیعی جایگزین شوند استخراج می کنیم، یعنی ما اجازه نمی دهیم که چرخه آن تکمیل شود. سرنوشت کنونی دریاچه اوگالا نمونه ای از برداشت بیش از حد می باشد. در ساحل دریاچه میشیگان چاه های متعددی حفر شده است که عمق بعضی از آن ها به ارتفاع آسمان خراش های شیکاگو نیز می رسد و مشغول مکیدن آب هایی می باشند

که می بایست دریاچه را تغذیه کنند ولی این چاه ها حتی آب دریاچه را نیز تخلیه کرده اند و سبب شده اند که جریان آب دریاچه میشیگان معکوس شود، یعنی در چرخه طبیعی آن اختلال وارد کرده ایم. کار دیگری که ما انجام می دهیم چیزی به نام تجارت آب مجازی است، یعنی این که شما آب را به فرم محصولات کشاورزی از حوضه آن به نقاط دیگر ارسال می کنید. شما از آب برای تولید محصولات کشاورزی استفاده کرده و سپس آن را صادر کرده اید. حدود ۲۰ درصد از آب مورد استفاده در جهان بدین طریق صادر شده است. در ایالات متحده، حدود یک سوم از آب حوضه آبخیزهایی که پایدار نمی باشند، صادر می شوند. کمبود آب ایجاد شده از این اعمال ناشی از خشکسالی های دوره ای نیست. در واقع در سراسر جهان ما مبادرت به ایجاد چیزی کرده ایم که من و برخی از دانشمندان آن ها را «لکه های داغ» می نامیم و این همان بخش هایی از جهان می باشند که با بحران کمبود آب روبرو هستند و یا به زودی خواهند شد و این بدان معنی است که میلیون ها نفر از مردم جهان با کمبود آب روبرو می شوند. ما معمولاً می شنویم که کمبود آب در اثر تغییرات آب و هوایی است که حرف درستی است، به خصوص با ذوب یخچال های طبیعی. اما سوء استفاده ها و سوء مدیریت ما نیز یکی دیگر از علل این مشکل می باشد و ما هیچ گونه تجزیه و تحلیلی را در مراکز تصمیم گیرمان درباره تغییرات آب و هوا و تخریب محیط زیست قرار نداده ایم. عمده سرزنش من برای رهبران سیاسی است، چرا که آن ها از دانشمندان و محیط زیست شناسان و مدیران آب نمی خواهند که به مردم بگویند که بحران در راه است و همین حالا ۳۶ ایالت در آمریکا از کمبود آب رنج می برند. بله سی و شش ایالت! اکثر آمریکایی ها این را نمی دانند. به همین دلیل است که مسئله آب بخشی از نگرانی های روزمره مردم نیست، من امیدوارم کتابم برای این اطلاع رسانی موثر باشد.

مترجم: زهراراستگوفر tarjomeh1.com



می شنوم «نمی دانستیم که خشکسالی در راه است» در این باره باید بگویم که من رهبران سیاسی را سرزنش می کنم. نمی دانم چگونه آن اطلاعاتی را که من و دیگران می توانیم به دست آوریم آن ها نمی توانند. به خاطر دارم که در کنفرانسی که سه سال پیش در بیوز حضور داشتم یکی از دانشمندان می گفت: «به لب هام نگاه کن، این خشکسالی موقت نیست بلکه یک خشکی دائمی است». ما در سراسر دریاچه های اوگالا (Ogallala)، پاول (Powell) و مد (Mead) تلمبه کار گذاشتیم و همگی در حال خالی شدن می باشند، این در حالی است که این امور از دید رهبران سیاسی بحران آب نیست! چیزی که من در فصل اول کتابم تلاش کردم بگویم این است که «این همه آب کجا رفته اند» ما در کلاس پنجم ابتدایی در مورد چرخه هیدرولوژیکی آب یاد گرفتیم که این سیکل بسته و ثابت است و هرگز قطع نمی شود، این آموزش صحیح نیست. البته آن ها چیزی به ما دروغ تدریس نکرده اند، ولی از ظرفیت بشر برای نابود کردن این منابع آگاه نبودند. واقعیت این است که ما چرخه هیدرولوژیکی را در بسیاری از نقاط جهان از جمله در جنوب غرب آمریکا قطع کرده ایم.

تارا لوهان: چگونه چنین چیزی اتفاق می افتد؟

مادو بارلو: با کشاورزی در بیابان ها و گرفتن آب از سفره های آبی و یا حوضه های آبخیز و با شهرسازی و شهرنشینی گسترده باعث می شویم چرخه هیدرولوژیکی به درستی عمل نکند، چرا که باران می بایست مجدداً به فضا های سبز مانند چمن و پوشش گیاهی برسد تا این روند بتواند تکرار شود و آب به لایه های زمین باز گردد. مورد دیگر این است که ما مقدار بسیار عظیمی از آب را به کلانشهر هایی ارسال می کنیم که برخی از آن ها ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارند و اگر این شهرها در کنار دریا ها باشند، این آب ها به دریا ها ریخته می شوند و دیگر بازگشتی برای آن نیست. دیگر این که ما آب های

صرفه جویی ناپایدار

در ماه های آخر سال گذشته قیمت ارز به اوج خود رسید. در نیمه بهمن ماه سال ۱۳۹۱ یک دلار آمریکا ۳۹۰۰ تومان در بازار آزاد خرید و فروش شد. این قیمت تا امروز آفت و خیزهایی داشته، تا این که در سه ماه اخیر با یک تغییرات جزئی بر روی ۳ هزار تومان ثابت ماند، یعنی چیزی در حدود ۲۳ درصد قیمت آن تنزل کرد. در این ده ماه چه اتفاقی افتاد که قیمت لجام گسیخته ارز کنترل شد؟ بر اساس قانون عرضه و تقاضا، یا مقداری ارز وارد بازار شده یا این که از تقاضا کاسته شده. چند راه برای ورود ارز به بازار وجود دارد. یکی افزایش صادرات، همه می دانیم که در این مدت چنین اتفاقی نیفتاد. در چند سال اخیر با وجود این که قیمت ارز ترقی کرد و امکان رقابت صادر کنندگان ایرانی در بازارهای جهان فراهم تر شد، ولی طبق آمار گمرک، صادرات غیر نفتی کشور در ۶ ماه اول امسال ۱۳/۶ درصد نسبت به زمان مشابه در سال گذشته کاهش یافته است. راه دیگر اضافه شدن صادرات نفتی بود. در این مورد هم آمار می گوید از حدود دو سال پیش که صادرات نفت به ۱/۶ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرد، تحول چشمگیری در فروش نفت اتفاق نیفتاده، پس ارز اضافه ای هم از این بابت به بازار تزریق نشده. می توانست از طریق وصول طلب هایی که ما از جهان داریم ارز وارد بازار و قیمت کنترل شود، ولی وقتی به اخبار نگاه می کنیم می بینیم هنوز مذاکرات کاهش تحریم ها در آغاز راه است و تا به حال هیچ یک از حساب های مسدود شده باز نگردیده تا از این طریق ارزی به بازار تزریق شود. پس با احتمال زیاد از حجم درخواست کم گردیده که نه تنها روند صعودی قیمت ارز متوقف شد، بلکه از قیمت آن کاسته و به یک ثبات نسبی رسید.

برای کاسته شدن در خواست، شاید بتوان دلایل را از همه دلایل موثرتر و مهم تر دانست، یکی دلیل روانی و دیگری کاسته شدن در خواست بازار ارز. دلیل روانی از تغییرات سیاسی اخیر کشور سرچشمه می گیرد که باعث کم شدن التهاب بازار شد. کاهش در خواست در مصرف ارز هم در مواردی مانند واردات کالا یا سفرهای خارجی اتفاق افتاد. وقتی در سال ۱۳۹۰ کشور در اوج واردات بی رویه بود، حجم مالی واردات کشور مبلغ ۵۷/۵ میلیارد دلار

بود. این مقدار در سال ۱۳۹۱ به ۵۱/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد، در حالی که در ۸ ماه اول سال ۹۲ با وجود افزایش قیمت های جهانی تنها ۲۰ میلیارد دلار واردات انجام شده و پیش بینی می شود این رقم تا آخر سال حداکثر به ۳۵ میلیارد دلار برسد، یعنی حدود ۲۶ درصد از مصرف ارز کاسته شده. نبروز امسال آمار خروج مسافران برای تعطیلات ۵۰ درصد نسبت به سال ۹۱ کاهش یافت و به همان نسبت ارز کمتری مصرف شد. از ورود کالاهای خارجی به صورت قاچاق که یکی از مصارف ارز بود، آمار دقیقی وجود ندارد، البته نیروی انتظامی آمار بسیار بزرگی از کم شدن ورود کالای قاچاق به کشور اعلام می کند. خُب در تمام این موارد مقداری ارز کم مصرف شده و همین کم شدن تقاضا احتمالاً از قیمت ارز کاسته. این کاهش به بعضی از اقشار اجتماع صدمه هایی زده و خواهد زد، چون یک کاهش کارشناسی و علمی نیست و ممکن است به بالا رفتن آمار بیکاری انجامد. در یک اقتصاد سالم هم واردات باید باشد هم صادرات، هم توریست باید از کشور خارج شود و هم به کشور بیاید تا در اثر این چرخش ارز و پول کار ایجاد شود و ثبات قیمت موقت نباشد.

کمبود آب در کشور ما وارد مرحله ای شده که یا باید به حجم آب موجود بیافزاییم و یا از مصرف بی رویه بکاهیم و با دقت مصرف کنیم. به آسمان که نمی توان فشار آورد که بیشتر ببارد. کشورهای همسایه هم یا در شرایط بدتر از ما قرار دارند و یا این که اگر بخواهند کمی آب به ما بدهند، مقدار زیادی وابستگی هم به همراهش خواهند داد. امیدواریم مدیران ما دیگر متوجه شده باشند که باروش های ناپایدار مانند سد سازی های بی حساب و کتاب و یا انتقال آب از منطقه ای به منطقه دیگر و یا چاه زدن بی رویه و کف شکنی فقط می شود برای مدتی مشکل را به تاخیر انداخت. کسانی هم که مشکلات را در خشکسالی خلاصه می کنند و منتظر ترسالی هستند از آمار و ارقام بی خبرند، چون بالاترین میزان بارندگی صد سال گذشته هم با همین شرایطی که آب را هدر می دهیم دیگر پاسخگوی مشکل کم آبی کشور نیست. خوشبختانه به صورت بالقوه آب برای جمعیت فعلی کشور وجود دارد. آن چه که شرایط را بحرانی کرده ریخت و پاش کردن آب است. کشاورزی بارانمان ۳۰ درصد آبی هدر دادن آب نیست؟ اگر کسی برای مسواک زدن دندان خود ۲۰ لیتر آب مصرف کند در صورتی که می توان همین کار را با یک لیتر آب انجام دهد، نشان دهنده این است که مشکل کم آبی به او تفهیم نشده. مدیریت هایی مانند کم کردن فشار آب برای کم کردن مصرف هم علاج درد کم آبی نیست و به نظر می رسد پی آمدهای خاص خود را داشته باشد. نصب پمپ برای خانه ها، ساختن منابع ذخیره آب و ذخیره سازی های بی مورد از پی آمدهای کم کردن فشار آب است. آن گاه باید به اجبار با کمک نیروی انتظامی پمپ ها و منابع ذخیره را جمع آوری کنند کاری که در اصفهان در حال انجام است. باید به جای انتخاب روش های به ظاهر ساده ولی دارای پی آمدهای منفی اجتماعی، راه های علمی که امتحان خود را در دنیا پس داده اند را انتخاب کنیم. در زمینه پایین آوردن علمی مصرف آب اطلاعات و روش های فراوانی در جهان وجود دارد. بهتر است چرخ را دوباره اختراع نکنیم و از روش های امتحان شده برای صرفه جویی در مصرف آب استفاده کنیم.

ش.ب



محمد درویش: تفسیر مشکلات آب

این روزها با تغییراتی که در جو سیاسی کشور ایجاد شده و فضای سرپوش گذاشتن بر مشکلات و فرافکنی، جای خود را تا حدی به اطلاع رسانی نسبت به شرایط واقعی محیط زیست داده، دیگر برای مردم و مسئولین آشکار شد که اکثر نقاط کشور در شرایط بحران آب قرار دارد و به زودی کمبود آب چهره خود را به شکل ناراحت کننده‌ای نشان خواهد داد. در این شماره گفتگویی با آقای مهندس درویش عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور و رییس گروه تحقیقاتی مؤلفه‌های اقتصادی اجتماعی بیابان‌زایی انجام دادیم تا دلایل بوجود آمدن مشکلات فعلی را برای ما بررسی کنند.

آقای درویش، هر چند کشور ما در منطقه‌ای نیمه خشک قرار دارد ولی به جز خشکسالی‌های موضعی و کوتاه مدت در طول تاریخ مشکل بزرگی برای تاهمین آب شرب و کشاورزی نداشته است. در سال‌های اخیر چه اتفاقی افتاده که شرایط آب بحرانی شد؟

کشور ما نسبت به منطقه‌ای که در آن قرار دارد، بهترین وضعیت را از نظر موابط طبیعی دارد. یعنی در عرض ۳۵ درجه شمالی هیچ کشوری وجود ندارد که ۴۰۰ میلیارد متر مکعب بارش‌های سالانه داشته باشد و ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال برایش بماند. کشور عربستان که تقریباً در همین محدوده جغرافیایی قرار دارد و مساحت آن هم حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر از ایران بزرگ تر است، سالانه فقط یک میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال دارد. در حالی که جمعیت ایران ۲/۵ برابر جمعیت عربستان است ۱۳۰ برابر آن کشور، آب قابل استحصال دارد. یعنی ایران هرگز نیاید با کلبوس خشکسالی و کم آبی رو به رو باشد. حالا چرا کشور ما که واقع در عرض ۲۵ درجه شمالی، یعنی کمربند خشک جهان، مانند عربستان نیست؟ دلیل اش به خاطر وجود تنوع ارتفاعی منحصر به فردی است که ما داریم. از ۳۲- متر در سواحل مازندران تا ۵۶۷۱ متر در قله دماوند. مثلاً کوه شاه در بافت کرمان اگر نبود ما هلیل رود را نداشتیم. ما زندگی مان مدیون رشته کوه زاگرس است، مدیون البرز و بینالود هستیم. اگر این‌ها نبودند که ما هیچ چیز نداشتیم. ما رودخانه‌های بسیار مهمی مثل کارون، کرخه، جراحی، مارون، دز، زرنه رود، سفید رود و زاینده رود را داریم که هیچ کشوری در عرض ۳۵ درجه شمالی چنین رودهایی را ندارد. موج اول مشکل آسیب زدن به منابع آبی کشور از اواخر دهه ۳۰ شروع شد. در آن زمان وقتی که محمدرضا شاه به آمریکا رفت و سد هور را دید که روی رودخانه کلرادو زده بودند و در تاریخچه سد خواند که روزولت گفته بود آدم، دیدم و شیفته شدم، شاه با خود گفت چرا چنین چیزی را من نسازم من که می‌خواهم دروازه تمدن بزرگ را بزمن باید چنین سدی را بسازم. اولین سدی که در اواخر دهه ۳۰ ساخته شد سد گلپایگان بود. وقتی عکس‌های سد را به شاه نشان دادند تا برود و سد را افتتاح کند، ناراحت شد و گفت این که حوض است، سد نیست. این چه سدی است که ساخته اید و هیچ وقت

شده اند سدها را بسازند. یعنی بودجه‌ای که می‌توانست برود و صرف اعتبار برای بالا رفتن راندمان آب در بخش کشاورزی و بهبود کانال‌های آبیاری و یا کاهش ضایعات در بخش کشاورزی و بهبود تکنیک‌های بسته‌بندی و سردخانه‌شود، خرج این‌گونه سدها شد. ۳۰ درصد تولیدات کشاورزی ما ضایع می‌شود، نرخ راندمان آبیاری ما ۳۰ درصد است یعنی ۷۰ درصد آب را هدر می‌دهیم و بودجه نداریم تا در این حوزه‌ها فعالیت کنیم. معاون وزیر جهاد کشاورزی در ابتدای برنامه ۵ ساله اعلام کرد طبق این برنامه ما باید هر سال ۲/۵ درصد راندمان آبیاری را افزایش دهیم. سال پیش که سال دوم برنامه بود ایشان رسماً اعلام کرد ما نمی‌توانیم به تعهداتمان عمل کنیم، یعنی



به ته دیگ خورده است و دیگر آبی نمانده و به کشاورزان برای حفر چاه وام ندهند و وزارت بازرگانی برای واردات پمپ‌های چینی و رومانی ارز اختصاص ندهد، ولی این پمپ‌ها وارد شد، چاه‌ها زده شد، کشاورزها مقروض تر شدند و آبی هم گیرشان نیامد. همین مرکز می‌گوید راندمان هر حلقه چاه که در سال ۷۴ حدود ۱۴۷ هزار متر مکعب در سال بود الان به ۷۷ هزار متر مکعب در سال که تقریباً نصف آن مقدار است رسیده، یعنی ما پول بیشتری هزینه کردیم، خسارت بیشتری به طبیعت مان وارد کردیم، کشاورزی آب کم‌تری به دست آورد و راندمان چاه‌ها به نصف کاهش یافت. از سال ۱۳۴۴ این روند نزولی اُفت سطح آب‌های زیر زمینی با یک شیب کاملاً منگی دارد کم می‌شود این اتفاق ناگهانی نیافتاده که بگوییم غافل گیر یا شوکه شدیم. چرا کارشناسان و مدیران آب هشدار ندادند؟ برای حل مشکلات فقط گفتند حالا دو حلقه چاه اینجا می‌زنیم، یا در آن منطقه ۳ تا سد می‌زنیم! چرا باید این بلا بر سر بختگان بیاید؟ چون ما هم زمان سدهای سی بند، ملاصدرا و درودزن را روی رودخانه‌های کر و سیوند زدیم و نظام هیدرولوژیکی منطقه را نابود کردیم. من در ماه گذشته در منطقه استهبان در روستایی به نام خانه کت در جنوب تالاب بختگان در منطقه‌ای به طول حدود یک کیلومتر حدود ۶۳ چاه را شمردم یعنی در این مسیر چاه زده‌اند و وقتی آب اش تمام شده دوباره کنارش چاه دیگری زده‌اند و همه هم غیر مجاز و غیر قانونی. خُب چرا چاه می‌زنند و چرا کسی جلوی آن‌ها را نمی‌گیرد؟ چون مقامات محلی می‌گویند مردم ناراضی می‌شوند. خُب چرا ما هیچ کاری یاد این مردم ندادیم. یعنی واقعاً همه کارها به کشاورزی ختم می‌شود. چرا باید در کشوری که در عرض ۳۵ درجه شمالی قرار گرفته، کشوری که روی کمربند خشک جهان قرار دارد و ۸۹/۷ درصد از قلمرو آن سرزمین خشک است، چرا باید ما بر کشاورزی سنتی برای افزایش وابستگی معیشتی اصرار داشته باشیم و همیشه چشم مان به آسمان باشد که امسال ریزش آسمانی داریم یا نداریم؟ وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده ۱۵۰۰ میلیارد تومان بیمه کشاورزی بدهکار است و خسارت‌های خشکسالی هر سال سر به فلک می‌کشد. آیا کشور همسایه ما امارت متحده عربی که چیزی در حدود ۹۰ میلیارد دلار صادرات دارد آن هم نگران خشکسالی است؟ اگر خشکسالی اتفاق بیافتد مردم امارات هم ناراحت می‌شوند و تمام زندگی شان به هم می‌ریزد؟ چرا بر هم نمی‌ریزد؟ به خاطر این که این کشور آمده بر اساس تجارت، بازرگانی و توریسم چیدمان توسعه اش را برنامه ریزی کرده، چیزهایی که به ریزش‌های آسمانی اصلاً ربطی ندارد. چون می‌داند محدودیت سرزمین شان چیست. ما کشوری هستیم که از لحاظ جذابیت‌های طبیعی پنجمین کشور دنیاستیم. از نظر جذابیت‌های تاریخی و فرهنگی دهمین کشور دنیا هستیم. از لحاظ استحصال انرژی خورشیدی و دریافت انرژی بی نظیر هستیم. این مزیت‌ها را کی و کجا استفاده کرده ایم. خوان کارلوس جمله معروفی درباره اصفهان دارد او گفت اگر بناهای تاریخی اصفهان متعلق به اسپانیا بود، اسپانیا

ثروتمند ترین کشور اروپا می‌شد. بعد ما آمده ایم به جای این که از همین زیر ساخت‌ها و مزیت‌ها استفاده کنیم، اصفهان را تبدیل کردیم به قطب صنعتی و کشاورزی کشور. مدیران اصفهانی هم با لابی پُر قدرتی که داشتند ذوب آهن را قبل از انقلاب و فولاد مبارک را بعد از انقلاب در اصفهان جانمایی کردند. این دو کارخانه هر دو قرار بود در استان هرمزگان و نزدیک ساحل خلیج فارس ساخته شود تا آب دائم داشته باشند. سپس ۳۶۰ میلیون متر مکعب از ۸۰۰ میلیون متر مکعب آورد آب زاینده رود را به این دو کارخانه اختصاص دادند یعنی نیمی از آورد طبیعی زاینده رود را، چرا؟ بعداً گفتند مدیران توانمند استان اصفهان چه اشتغال زایی کرده اند! اشتغال زایی در استان اصفهان ۷ برابر میانگین سایر استان‌های دیگر کشور است. خُب این می‌شود نتیجه اش. در صورتی که اصفهان فقط یک زاینده رود را دارد، شما آمدید تونل ۱ و ۲ و ۳ کوهرنگ و حالا بهشت آباد و گلاب را هم می‌خواهید اضافه کنید. الان آورد زاینده رود ۱/۵ میلیارد متر مکعب است در صورتی که آورد طبیعی اش ۸۰۰ میلیون متر مکعب است. آن موقع که حالت طبیعی داشت احوال مرداب گاو خونی خوب بود و رودخانه در تمام سال آب داشت و کشاورزان ورزنه‌ای داشتند زندگی شان را می‌کردند. الان که ۱/۵ میلیارد متر مکعب است تالاب گاو خونی خشک است، ۳۰۰ هزار نفر از منطقه شرق اصفهان مهاجرت کرده‌اند. این چه بلایی است که ما بر سر اصفهان، نصف جهان آورده ایم. با این شرایط آیا مجاز هستیم بگوییم آسمان با ما قهر کرده وقتی خودمان این‌گونه رفتار می‌کنیم؟ درست است که خشکسالی بوده، انکار نمی‌کنیم تغییر اقلیم بوده، ولی توی حوضه‌ای مثل دریاچه ارومیه که ۳۲ هزار حلقه چاه غیر مجاز حفر شده و ۷۲ سد احداث شده و وسعت اراضی کشاورزی ظرف ۲۵ سال بیش از ۲ برابر رشد داشته، وقتی فشارهای انسانی را این‌گونه تشدید می‌کنیم آیا حق داریم بگوییم این بلاها فقط به خاطر خشکسالی سر ما آمده است؟ رودخانه باران دوز تنها رودخانه حوضه آبخیز دریاچه ارومیه است که سد ندارد. یعنی تا آمدند سدش را بسازند دیگر بی آب شد و جلو ساخت سدش را گرفتند ولی از همین رودخانه هم یک قطره آب به دریاچه ارومیه نمی‌ریزد. چرا؟ چون توسعه بی‌رویه اراضی کشاورزی باعث شد که از توی رودخانه کانال‌های مختلف آب را می‌کشند توی این باغ و توی آن زمین و دیگر آبی نمانده و رودخانه بدون داشتن سد خشک شده. تمام ارتفاعات بوکان که بالای سد زرنه رود هستند مراتع منطقه بود، الان شده کشت آبی، حتی کشت دیم هم نیست. موتور پمپ گذاشته‌اند و آب دریاچه را می‌کشند و دارند کشت و کار می‌کنند. خُب معلوم است که پایین دست رودخانه خشک است و دیگر آبی نمی‌آید و از زیر سد آبی خارج نمی‌شود. این خشکسالی مصنوعی است چرا جلوی این کار گرفته نمی‌شود چون همه نگرانند که اتفاق ورزنه در این جا هم تکرار شود. بین مدیران آب و مردم منطقه اعتماد و همدلی وجود ندارد. وقتی اجازه داده نمی‌شود تشکل‌های مردمی جان بگیرد و کسانی که از جنس خود مردم هستند بروند با آن‌ها صحبت کنند و شرایط را توضیح دهند، این دیوار بی‌اعتمادی مرتباً ارتفاعش بیشتر می‌شود.

از وقتی که در اختیار ماهنامه KWC قرار دادید متشکریم.

همین سالی ۲/۵ درصد را هم اضافه کنیم، چرا؟ چون ۲۲۰۰ میلیارد تومان بودجه می‌خواهد و این پول در اختیار ما قرار نگرفته است. این در حالی است که در همان سال پیش سد گتوند با اعتبار ۳۰۰۰ میلیارد تومان آبگیری شد. در اسفند ماه سال ۹۱ سد بختیاری با ۳۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار آغاز شد. در آخرین روزهای دولت قبل طرح انتقال آب ارس به ارومیه با ۲۵۰۰ میلیارد تومان کلنگ خورد. طرح انتقال آب مازندران به سمنان با عدد بزرگی که هنوز به درستی مقدار آن مشخص نیست کلنگ خورد، یعنی پول هست ولی این پول به جای این که به صورت متوازن برای همه ابعاد توسعه پایدار هزینه شود برای یک بُعد هزینه می‌شود و بقیه نادیده گرفته می‌شوند و مشکلاتی که الان در کشور داریم نمایشی از همین اشکالات است. الان می‌گوییم دریاچه ارومیه سالانه ۲۸ سانتی متر سطح آب‌اش اُفت می‌کند، سطح دریاچه ارومیه ۵۶۰ هزار هکتار است که ۳۹۰ هزار هکتارش کاملاً خشک شده و عملاً به شوره زار تبدیل شده است. هفت میلیون نفر هم در حوضه آبخیز ۵/۲ میلیون هکتاری این دریاچه زندگی می‌کنند. در همین زمان مدیر توسعه منابع آب می‌گوید که ۷۰ دشت اصلی کشور که وسعت آن تقریباً یکصد میلیون هکتار و برابر دو سوم کشور است، اُفت سطح آب زیرزمینی به ۲ متر و بیشتر در سال رسیده. یعنی مادر دریاچه‌هایی به مراتب بزرگ‌تر از دریاچه ارومیه را در زیر زمین داریم از دست می‌دهیم که چون نمی‌بینیم متوجه عمق خطر نیستیم. فقط لکه‌های روی سطح زمین را می‌بینیم مثلاً گاوخونی که خشک شده بختگان، کمجان، کافتار، ارزن، پریشان، هامون، جازموریان همه این‌ها لکه‌هایی از آن وسعت بزرگ سفره‌های آب زیرزمینی هستند که در روی زمین خشک شده‌اند و حاصل‌اش به سمتی می‌رود که با نشست زمین خودش را نشان می‌دهد. در سمت معین آباد ورامین دکل‌های برق را می‌بینید که کج شده است. در کرمان پل‌های زیادی ترک خورده‌اند. در منطقه آبی بیگلو اردبیل با نشست زمین رو به رو هستیم. در خان میرزای لردگان، سمنان، خراسان جنوبی، یزد و جنوب تهران نشست زمین اتفاق افتاده. در جنوب تهران ۳۶ سانتی متر نشست زمین را در در سال تجربه می‌کنیم. الان اتحادیه اروپا دستورالعملی داده که ۴ میلی‌متر نشست زمین مساوی است با بحران و باید ستاد بحران تشکیل شود. در تهران سازمان زمین شناسی و دانشکده فنی دانشگاه تهران مطالعات هم زمانی انجام داده‌اند که می‌گوید ۳۶ سانتی متر در جنوب شرقی تهران و ۲۸ سانتی متر در جنوب غربی تهران زمین نشست کرده، یعنی ۹۰ برابر حدی که در اتحادیه اروپا حد بحرانی نامیده می‌شود! کدام نماینده مجلس به وزیر جهاد کشاورزی یا وزیر نیرو اخطار کرده که این چه اتفاقی است؟ این مگر گزارش رسمی سازمان زمین شناسی کل کشور و گزارش رسمی و معتبر یک دانشگاه این مملکت نیست. گروهی به نام (الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت) در حوزه‌های مختلف و با همکاری دانشمندان و کارشناسانی که مورد وثوق هستند گزارش‌هایی تهیه می‌کنند. در اسفند سال ۹۱ این سازمان گزارشی داد که از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۱ یعنی در طول ۱۷ سال تعداد چاه‌های حفر شده در کشورمان تقریباً دو برابر شده و به ۶۵۰ هزار حلقه رسیده است، ولی میزان آب دهی این چاه‌ها فقط ۲۳ درصد افزایش یافته. تازه در آن گزارش آمده در ۶ سال آخر منتهی به سال ۹۱ میزان آب دهی کلاً افزایش پیدا نکرده است. اگر ما یک مدیر بت‌ها بوشمند داشتیم همان موقع باید هشدار می‌داد که کفگیر

۱۰ اشتباه متداول مدیران

همه ما اشتباه می کنیم، و اشتباهات زیادی نیز در بین مدیران مرسوم است. این اشتباهات شامل ضعف در برخورد خوب با مشتریان و همکاران، عدم تفویض اختیار و دیگر مواردی است که به آن اشاره خواهیم کرد. این درست است که ما از اشتباه می آموزیم، اما اجتناب از اشتباهات رایج و مرسوم ما را موفق تر و کارآمد تر می کند. در این مقاله، ۱۰ مورد از رایج ترین اشتباهات مدیریتی را معرفی کرده و راه کارهای اجتناب از آن را آموزش می دهیم. این مقاله به شما کمک می کند بدون نیاز به تجربه کردن، از به وجود آمدن مشکلات جلوگیری کنید.

۱. عدم برخورد سریع به روش های غلط: بی توجهی مدیران به عدم بازخورد صحیح و سریع به خواست مشتریان از رایج ترین اشتباهات مدیران یک شرکت است که باعث می شود از نظرات مثبت و سازنده مشتریان در جهت بهبود تجارت، محروم شوند. برای جلوگیری از این اشتباه، بهتر است روش صحیح نشان دادن و کنش سریع به درخواست مشتری را به تیم خود آموزش دهید تا با به دست آوردن درک عمیق از آن بتوانند رفتاری موثر و صحیح با مشتریان داشته باشند.

۲. در دسترس نبودن: به عنوان یک مدیر، نیاز است شما در کنار تیم خود و در دسترس باشید. اگر در کنار تیم حضور نداشته باشید آن ها نمی دانند که چه باید انجام دهند و حمایت و راهنمایی لازم برای رسیدن به اهداف پروژه را نخواهند داشت. افراد تیم شما قلب تجارت شما هستند و نسبت به هر مورد دیگری اولویت دارند. بهتر است در زمان های معمولی در اتاق تان باز باشد تا همکاران بتوانند هر زمان که کمک خواستند به شما مراجعه کنند. شما هم با سر زدن به تیم خود می توانید با آن ها در تماس باشید.

۳. از گردش کارها بی خبر بودن: تیم شما ممکن است در انجام یک پروژه خیلی مهم، بعضی از خصوصیات پروژه را اشتباه بفهمند. چون شما در کامل شدن پروژه دخالت زیادی نداشته اید و با تیم خود هنگام انجام کارها در ارتباط نبوده اید و آن ها مسیر را اشتباه رفته اند. حالا شما باید با چهره ای نگران، خجالت زده و عصبانی مشکل را برای مشتری توضیح دهید. رعایت تعادل در نظارت و دخالت در انجام کارها امر بسیار مهمی است.

۴. بیش از حد دوستانه رفتار کردن: بسیاری از مدیران می خواهند برخوردی دوستانه و بسیار نزدیک با اعضای تیم داشته باشند. اعضای تیم نیز بیشتر راغب هستند که با چنین

مدیرانی کار کنند. اما باید در نظر داشت بعضی اوقات لازم است که یک تصمیم قاطع در مورد اعضای تیم بگیرید که شاید این تصمیم با توجه به رفتار دوستانه شما برای آن ها ناراحت کننده باشد. اما این به آن معنی نیست که شما رفتاری دوستانه نداشته باشید، تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که تعادلی بین رفتار دوستانه و رفتار مدیرانه خود برقرار کنید.

۵. عدم تعریف اهداف: وقتی تیم شما هدف معین و روشنی از کار نداشته باشند، نمی توانند عملکرد خوبی داشته باشند. آن ها هم چنین نمی توانند به طوری موثر انجام کار را زمان بندی و اولویت بندی کنند. برای اجتناب از این اشتباه لازم است برنامه ای هوشمندانه برای تیم خود تنظیم کرده و با استفاده از نمودارهای زمان بندی، وظایف تیم و اولویت انجام کار و تمام جزئیات پروژه را مشخص کنید، تا با مدیریتی هدفمند تیم خود را در راستای پیشبرد ماموریت راهنمایی کنید.

۶. سوء تفاهم در انگیزه: اشتباه بسیاری از مدیران این است که فکر می کنند تنها انگیزه تیم آن ها برای کار، پاداش مالی است. در صورتی که انگیزه بسیاری از افراد به دست آوردن موفقیت های مستمر در زندگی و کار، هم چنین به دست آوردن موفقیت های اجتماعی، مسئولیت پذیری و ارتباط با دیگران است. برای اجتناب از این اشتباه، تشخیص انگیزه کاری افراد تیم و تقویت و ایجاد انگیزه های مثبت از ابزار کار یک مدیر است.

۷. عجله کردن در استخدام: هنگامی که قصد شروع یک پروژه بزرگ را دارید، عجله کردن در استخدام، اشتباه بزرگی است. چون ممکن است افرادی را استخدام کنید که بازدهی کاری خوبی نداشته باشند و نیازمند آموزش های اضافه باشند. با استخدام افراد نامناسب در تیم، وقت و انرژی تیم را تلف کرده، همچنین بخشی از منابع اطلاعاتی خود را در اختیار کسانی گذاشته اید که باید از تیم شما برونند، و این عمل باعث نگرانی و ناراحتی دیگر اعضای تیم می شود. برای اجتناب از این اشتباه، در استخدام افراد، با دقت و حوصله عمل کرده و از عجله بپرهیزید.

۸. عمل نکردن به آنچه از دیگران توقع دارید:

اگر شما به عنوان مدیر در زمان کار و جلسه به تلفن های شخصی خود پاسخ داده و یا چیزهای منفی در غیبت افراد می گویند، آیا می توانید از تیم خود انتظار داشته باشید که

منی، حس تو حس من است، درد تو درد من است، لذت تو لذت من است معنایی ندارد. بلکه آنچه که وجود دارد این است که ما از درد و لذت دیگری با خبر می شویم و قرار است دوا و دکتر و یا همراه او باشیم و نه این که هم درد او باشیم یا فقط وقتی او لذت می برد ما لذت ببریم. موضوع با اهمیت این است که بپذیریم که تو، تو هستی و من، من هستم و حتی عشق وقتی معنی پیدا می کند که هر دو طرف به عنوان یک موجود مستقل، آزاد در کنار هم باشند، دست هم را بگیرند و به پیش بروند و نه این که یکی در دیگری گم شود یا کسی بر دیگری سوار.

سومین موضوع پذیرفتن اصل برابری است یعنی همه ما با هم برابر هستیم.

چهارمین اصل حرمت نفس این است که در بسیاری از موارد مهم و اساسی ما با هم یکسان هستیم، یعنی هیچ تفاوتی به هیچ شکل و فرمی در میان ما وجود ندارد.

اصل پنجم این است که من از تو نه بهترم نه بدتر، نه بالاترم و نه پایین تر و این درست مثل این است که شما به خاطر این که سن تان کمتر و یا بیشتر است فکر کنید بدتر، بهتر، بالاتر یا پایین تر هستید. این ها مفاهیمی است که از دوران بردگی انسان سرچشمه می گیرد. اصل ششم حرمت نفس این است که من ارزش، اهمیت و اعتبار دارم همان طور که تو ارزش و اهمیت و اعتبار داری. اگر وقت تو مهم است وقت من هم مهم است. وجود تو با ارزش است وجود من هم با ارزش است.

اصل هفتم این است که من خوبم، همانگونه که تو خوبی. به همین دلیل هم رابطه ما خوب است، این که ما اشتباه می کنیم یا کار بدی می کنیم سر جای خودش، اما اصولاً انسان موجود خوبی است. به طوری که مطالعات نشان می دهد ۹۸ درصد مردم در ۹۸ درصد موارد نه تنها کار خوب می کنند بلکه بهترین کار خودشان را می کنند. پس هیچ کس نمی تواند این نسبت را به ما بدهد که ما بد هستیم، پس ما خوبیم، فقط می توانیم بعضی اوقات کار بد یا اشتباه بکنیم.

اصل هشتم این است که من دوست داشتنی هستم همان طور که تو دوست داشتنی هستی. البته معنی این حرف این نیست که همه خواستنی و دوست داشتنی هستند، چون این طرز تفکر یک فاجعه است. مادر دنیایی زندگی می کنیم که ۷ میلیارد نفر در آن زندگی می کنند. داشتن ۷ دوست که به ما علاقه داشته باشند برای همه عمر ما کافی است.

مورد نهم این است که من از هیچ چیزی مربوط به خودم شرمنده و خجالت زده نیستم.

این کارها را نکنند؟ شما به عنوان مدیر لازم است که یک الگو برای تیم خود باشید. این به آن معنی است که اگر تیم باید تا دیروقت کار کند شما هم تا دیر وقت بمانید و به آن ها کمک کنید. یا اگر در سازمان شما خوردن و نوشیدن پشت میز هنگام کار ممنوع است، شما هم باید این قانون را رعایت کنید. به یاد داشته باشید، افراد تیم شما در تمام مدت اعمال و رفتار شما را زیر نظر دارند. اگر می خواهید افراد شما عمل کردی صحیح داشته باشند، لازم است که از خود شروع کنید چرا که آن ها اعمال و رفتار شما را تعقیب می کنند.

۹. عدم تفویض امور: اشتباه بسیاری از مدیران این است که فکر می کنند هیچ کسی جز خود آنان نمی تواند کارهای کلیدی را انجام دهند، به همین دلیل اکثر کارهای مهم را خود به عهده می گیرند. این عمل در نهایت باعث می شود با مشکلات زیادی روبرو شوند و این روش اغلب به شکست آن ها می انجامد. تفویض کار و سپردن مسئولیت به شخص متخصص و مورد اطمینان، تاثیر بسیار مهمی در پیشبرد کار و روحیه کاری تیم دارد. اگر این کار را نکنید از وظیفه اصلی خود که مدیریت و نظارت بر روند کار است دور می شوید و این سبب کندی پیشرفت کار می شود.

۱۰. ندانستن نقش مدیریت: هنگامی که شما مدیر می شوید، مسئولیت های شما نسبت به قبل تفاوت زیادی خواهد کرد. به هر حال فراموش نکنید که شغل شما تغییر کرده است و حالا باید از مهارت های دیگری برای تاثیر گذاری بیشتر استفاده کنید.

مترجم: شهرام موبد



نه از سنم، نه از قدم، نه از وزنم، نه از مدرک تحصیلی ام، نه از خانواده ام، نه از شغلم، نه از خانه ام خجالت نمی کشم. هر چه که هستم نتیجه فعالیت و کوششی است که در گذشته انجام شده و یا موقعیتی است که اتفاق افتاده، من همه این نتایج را می پذیرم و دلیلی ندارم که شرمنده و خجالت زده باشم و یا احساس گناه کنم. این که در همه زمینه ها باید با خودم در رقابت باشم تا بهتر و برتر شوم به جای خودش باقی است، من از آنچه که هستم راضی ام ولی از خود راضی نیستم. یعنی کوشش می کنم که بهتر و برتر شده، راه را برای رشد و تکامل خودم باز می گذارم.

و دهم این که من از دیگران ترس و واهمه ای ندارم و دارای وحشت و واهمه اجتماعی نیستم. نتیجه ترکیب این ده مورد حرمت نفس را ایجاد می کند. وقتی شما خودتان را خوب بدانید، دیگران را خوب بدانید، نتیجه رابطه را خوب می دانید، هیچ پروایی برای خود بودن ندارید، هیچ دلیلی برای نهمان کاری، دروغ گفتن، خود فریبی و تظاهر ندارید. شما سعی می کنید همیشه آنچه که حس می کنید، باور دارید و می اندیشید را مطرح کنید و خاطرات آن آسوده است که به دلیل خوبی دیگران و خوبی خودتان به نتایج خوبی خواهید رسید. حالا اگر احتمالاً کسانی باشند که این گونه فکر نکنند، این مشکل آن ها است و شما نمی توانید به خاطر مشکل و بیماری دیگران راه و روش خود را عوض کنید. باور کنید یکی از بزرگترین مشکلات جهان، مسئله حرمت نفس است.



شب های پرستاره اثر: ونسان ونگوگ

خبر و نظر

هشدار جدی به تهرانی ها در مورد مصرف آب

محمد پرورش مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با تاکید بر این که حجم ذخایر سدها ۵۰ درصد منفی است، اظهار کرد: مردم باید ۲۱/۵ درصد در مصرف آب صرفه جویی کنند تا آب رسانی حالت پایدار داشته و سه ماه پیش رو را پشت سر بگذاریم و در انتظار بارش در ماه‌های بعد تا پایان سال باشیم چرا که اگر در آن زمان نیز بارندگی نداشته باشیم، از لحاظ منابع آب شرایط خوبی نخواهد بود. وی با تاکید بر این که صرفه جویی مذکور باید در تمام طبقات مصرف باشد، گفت: در حال حاضر انرژی را روی مدیریت مصرف غیر مسکونی یعنی در بخش‌های تجاری، نظامی، اداری و سایر گذاشته‌ایم اما باید توجه کرد که ۸۳ درصد مصرف آب مربوط به بخش مسکونی است بنابراین همه باید در مصرف آب مدیریت کنند چرا که راه دیگری در حال حاضر وجود ندارد.

افکارنیوز

ماهنامه KWC اگر فرض کنیم بخش غیر مسکونی به ناگاه مصرف خود را به صفر برساند باز هم حد اقل صرفه جویی مورد نیاز بدست نخواهد آمد به خصوص که در بخش های غیر خانگی به زور بخشنامه و جریمه افراد، چند روزی مصرف کم می شود ولی به سرعت به شکل سابق باز می گردد.

آغاز تذکره به مشترکان پرمصرف آب در شرق تهران

علیرضا نوردی پور معاون نظارت بر بهره‌برداری آبفای استان تهران با بیان این که تذکره به مشترکان پرمصرف سامانه شرق تهران، اشتراک به اشتراک آغاز شده است، گفت: سامانه آبی شرق تهران همچنان با کمبود ۵۰ میلیون مترمکعب آب روبروست. در تازه‌ترین اقدام شرکت آبفا با شناسایی مشترکان پرمصرف این منطقه اشتراک به اشتراک از آن‌ها خواسته که مصرف آب خود را کاهش دهند.

فارس نیوز

ماهنامه KWC اکثر منازل تهران آپارتمانی و یا چند طبقه است. در این شرایط وقتی به منزلی اخطار می دهید که مصرف آبشان زیاد است به دلیل کنترل اشتراکی هر نفر، دیگری را مقصر می داند. تا فکری برای جدا شدن کمتر ها نشود تاثیر اخطار و حتی بالا بردن قیمت، ناچیز خواهد بود.

و پدرم را که به علت دروغ احمقانه ای که بر زبان رانده بودم غرق ناراحتی و اندوه بود، نگاه می کردم. همان جا و در همان وقت تصمیم گرفتم دیگر هرگز دروغ نگویم. غالباً درباره آن واقعه فکر می کنم و از خودم می پرسم، اگر او من را به همان طریقی که ما فرزندان مان را تنبیه می کنیم، مجازات می کرد، آیا اصلاً درس خوبی فرا می گرفتم، تصور نمی کنم. حتماً از مجازات متاثر می شدم اما به کارم ادامه می دادم. اما این عمل ساده و عاری از خشونت آن قدر نیرومند بود که هنوز در ذهنم زنده است، گویی همین دیروز رخ داده است. این است نیروی تربیتی عدم خشونت.



دکتر آرون گاندی

مجازات موثر

دکتر آرون گاندی Arun Gandhi که اکنون مدیر موسسه «گاندی برای عدم خشونت» می باشد، فرزند مانیلال Manilal گاندی و نوه مهاتما گاندی رهبر بزرگ هند است.

زمانی که پدر بزرگ او در هند ترور شد او جوانی ۱۴ ساله بود و از این عمل بسیار خشمگین شد و علاقه مند بود که انتقام پدر بزرگش را از قاتلان او بگیرد، ولی پدرش مانیلال گاندی با خواندن سخنانی از مهاتما او را به دور ماندن از خشونت تشویق کرد. آرون گاندی خاطره ای از دوران جوانی خود دارد و درسی که پدرش در مورد عدم خشونت والدین در تربیت فرزندان به او داد. درسی که هنوز از ذهن آرون پاک نشده است.

شانزده ساله بودم و با پدر و مادرم در موسسه ای که پدر بزرگم در فاصله ۳۰ کیلومتری دوربان (Durban)، در آفریقای جنوبی، تاسیس کرده بود زندگی می کردیم. ما آن قدر دور از شهر بودیم که هیچ همسایه ای نداشتیم و من و دو خواهرم همیشه منتظر فرصتی بودیم که برای دیدن دوستان یا رفتن به سینما به شهر برویم.

یک روز پدرم قرار بود در کنفرانس یک روزه ای شرکت کند، از من خواست او را با اتومبیل به شهر ببرم، من هم فرصت را غنیمت دانستم. چون عازم شهر بودم، مادرم فهرستی از خوار و بار مورد نیاز را نوشت و به من داد و چون تمام روز را در شهر بودم، پدرم از من خواست که چند کار دیگر را هم انجام بدهم، از جمله این که اتومبیل برای سرویس به تعمیرگاه ببرم.

وقتی پدرم را آن روز صبح پیاده کردم، گفت: «ساعت ۵ همین جا منتظرت هستم که با هم به منزل برگردیم.» بعد از آن که شتابان کارها را انجام دادم، مستقیماً به نزدیکترین سینما رفتم، بلیطی خریدم و به تماشای فیلم نشستم. آن قدر مجذوب بازی جان وین شدم که زمان را فراموش کردم. ساعت ۵/۵ بود که یادم آمد پدرم منتظر است. دوان دوان به تعمیرگاه رفتم و اتومبیل را گرفتم و شتابان به دنبال پدرم رفتم. وقتی رسیدم ساعت تقریباً شش شده بود.

پدرم با نگرانی پرسید، «چرا دیر کردی؟» آن قدر شرمند بودم که نتوانستم بگویم مشغول تماشای فیلم وسترن جان وین بودم و به همین دلیل گفتم، «اتومبیل حاضر نبود، مجبور شدم منتظر بمانم.» ولی متوجه نبودم که پدرم قبلاً به تعمیرگاه تلفن زده بود.

او گفت، «در روش من برای تربیت تو نقضی وجود داشته که تو اعتماد به نفس لازم را نداری که به من راست بگویی. برای آن که بفهمم نقص کار کجا است و من کجا در تربیت تو اشتباه کرده ام، این ۳۰ کیلومتر را پیاده می روم که در این خصوص فکر کنم.»

پدرم با آن لباس و کفش مخصوص مهمانی، در میان تاریکی، در جاده های تیره و تار و بس ناهموار پیاده به راه افتاد. نمی توانستم او را تنها بگذارم. مدت پنج ساعت و نیم پشت سرش اتومبیل می راندم

زنگ خطر آب به صدا درآمده است

وزیر کشور با بیان این که سیستم کشاورزی کشور باید مکانیزه شود، گفت: حتی آن بخش هایی که مکانیزه شده به صورت کامل مورد استفاده قرار نمی گیرد. در روش های بهره برداری کشاورزی نیز مشکل داریم. در حال حاضر زنگ خطر آب در کشور به صدا درآمده و دریاچه ارومیه خشک شده است. بهره‌وری نیز به شدت پایین است. ما باید بتوانیم روش های بهره‌برداری را به گونه ای پیش ببریم که این اتفاق بیفتد و هم آب داشته باشیم و هم کشاورزی و باید بر روی الگوهای کشت کار کنیم.

تسنیم

ماهنامه KWC مکانیزه کردن احتیاج به یک پارچه سازی دارد. در زمین های کوچک استفاده از وسایل مکانیزه کشاورزی و آبیاری مقرون به صرفه نیست مدیران کشور باید هر چه زود تر به فکر برنامه ریزی برای به وجود آمدن تعاونی های کشاورزی باشند.

انتقال آب کارون

عبدالحسن مقتدایی استاندار جدید خوزستان با انتقاد از طرح انتقال آب از سرچشمه های کارون، گفت: انتقال آب یک مساله اجتماعی و اقتصادی است که سیاسی هم شده است وی گفت: زمانی که بحث سدسازی بر روی رودخانه کارون مطرح می شود و ۴ سد و ۶ نیروگاه را با آن همه هزینه احداث می کنیم، باید به فکر آب لازم برای کشاورزی باشیم. اجرای طرح ۸۰۰ هزار هکتاری خوزستان به آب نیاز دارد و در این شرایط آیا برداشت آب از سرچشمه های کارون تعارض در سرمایه گذاری نیست؟ وی با بیان این که برداشت آب از سرچشمه های کارون قطعاً این ۶ نیروگاهی که در خوزستان ساخته شده از چرخه خارج می شوند، ادامه داد: قرار نیست اگر کسی در نقطه ای از این کشور مسئولیتی را بر عهده گرفت تنها به نفع منطقه خودش تصمیم بگیرد. وی گفت: در گذشته قرار بر این بود که در سال ۲۵۶ میلیون مترمکعب آب از سرچشمه کارون برداشته شود، سپس با تغییرات سیاسی که در مرکز انجام شد، قرار شد که این میزان به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب برسد و بعد این طرح مدتی متوقف شد. اکنون شواهد نشان می دهد که تونلی که در حال احداث است، برای همین میزان بیش از یک میلیارد است و توصیه می کنیم آقایان این طرح را کارشناسی کنند. بهارنیوز

ماهنامه KWC

یکی از مشکلات مدیریت آب بر خورد قومی و منطقه ای با مسئله است، در صورتی که باید آب را در چهار چوب طبیعی آن به شکل ملی و کارشناسی دید و با آن بر خورد کرد.



Xmart
اکسمارت

سیرکسینخانه

سردبیر: شهریار بدیعی

گرافیک: احمد غلامی

عکس: الهه طلوعی

لیتوگرافی و چاپ: آهو

تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰

moshariran@yahoo.com

استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلا مانع است

شمارگان کاغذی: ۴۵۰۰ نسخه شمارگان الکترونیک: ۲۱۰۰ ایمیل

اخبار KWC

حضور KWC در نمایشگاه اراک



هفتمین نمایشگاه صنعت، معدن و صنایع معدنی از ۶ الی ۱۰ آبان در شهر اراک برگزار شد. شرکت KWC توسط آقای رفیعی نماینده شرکت در اراک، غرفه ای در این نمایشگاه برپا کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت.